

آرشین ادیب‌مقدم در گفت‌وگو با «فرهنگستان»

## روشنفکران ما در باتلاق هویت‌نمایی گیر کرده‌اند

بحران در کشورهای کاپیتالیستی شدیدتر است



سید حسین امامی  
روزنامه‌نگار

روابط بین‌الملل و موازنه قدرت در جهان از شیوع گسترده کرونا و ویروس و تظاهرات ضدنژادپرستی در آمریکا و اروپا چه اثراتی می‌پذیرد؟ تأثیرات این حوزه البته به سطح ملی و منطقه‌ای هم کشیده خواهد شد، پس می‌توان گفت که جهان آستان تحولات مهمی است؟ در گفت‌وگوی پیش رو با پروفسور آرشین ادیب‌مقدم، رئیس مرکز مطالعات ایرانی مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) دانشگاه لندن، به بررسی این تغییرات پرداختیم.

ادیب‌مقدم بر آن است که گرچه نظام کاپیتالیستی آنگلوآکسون در هر لحظه سعی می‌کند که سیستم بین‌المللی را به جانب ایدئولوژی خود بکشد اما این بحران‌ها ضعف حاکمیت ایالات متحده را بیش از پیش آشکار کرده و خصوصاً بحران کرونا بزرگ‌ترین صدمه را به کاپیتالیسم انگلوآکسون زده است. به‌علاوه در این شرایط آسیا و به‌طور کل جهان نیم‌کره جنوبی (به‌عنوان مثال ونزوئلا و چین) از این جو جدید برای ایجاد یک نظم جدید استفاده خواهند کرد تا امنیت و منافع ملی خودشان را بهتر حفظ کنند.

ادیب‌مقدم همچنین هویت‌گرایی را موجب به‌خطر افتادن بشریت دانسته و بر آن است که باید اندیشه‌های فرامرزی و جهانی درپیش گرفته شود. او می‌افزاید که درحال حاضر نسل‌های جدید اروپایی و آمریکایی هم فرامرزی فکر می‌کنند و هم خودشان را چندفرهنگی می‌دانند. درحال عوض کردن گفتمان صرفاً ملی کشورهایشان هستند و بدین ترتیب پیش‌بینی می‌کند که معنی اروپا و آمریکا، با این جنبش نوین، تغییر خواهد کرد.

ادیب‌مقدم محدودتر شدن قدرت اقتصادی دولت‌ها و ثابت ماندن توقعات جوامع را موجب بحران می‌داند و این بحران را - خصوصاً در کشورهای سرمایه‌داری که در آنها مردم مصرف‌گراترند- شدیدتر ارزیابی می‌کند. نهایتاً ادیب‌مقدم معتقد است که توزیع قدرت از طریق فدرالیسم می‌تواند به‌عنوان راه‌حل دیالکتیک دولت‌ها و جوامع دنظر گرفته شود.

گفت‌وگوی «فرهنگستان» با آرشین ادیب‌مقدم، رئیس مرکز مطالعات ایرانی مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) دانشگاه لندن، را از نظر می‌گذرانید.

|||

**در زمینه تغییرات ناشی از کرونا در عرصه روابط بین‌الملل بحث‌های مختلفی شده است، از نظر شما ساختار قدرت بین‌الملل در جهان پساکرونايي آیا تغییراتی خواهد داشت؟ اگر آری، چه تغییراتی؟ به لحاظ ژئوپلیتیکی در وضع پساکرونايي چه مسائلی را شاهد خواهیم بود؟**

در دهه اخیر، نظم بین‌المللی به‌شدت دچار تغییر و تحول شده است. تغییر اول سقوط نسبی قدرت نرم و قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا است. بحران کرونا و ویروس به این سقوط نسبی شدت بیشتری داده است؛ هم به‌خاطر اینکه ایالات متحده آمریکا صدمه اقتصادی اساسی خورده است، هم به‌دلیل کمبود [یا ضعف] حاکمیت دولت ترامپ در فضای داخلی و در خارج که با این [شرایط] بحرانی مشخص‌تر شده است.

آسیا و به‌طور کل جهان [نیم‌کره] جنوبی به‌خصوص

کشورهای کلیدی در آمریکای لاتین و شرق آسیا - به‌عنوان مثال ونزوئلا و چین- از این جو جدید برای [ایجاد] یک نظم جدید استفاده خواهند کرد تا امنیت و منافع ملی خودشان را بهتر حفظ کنند.

**چه مخاطرات سیاسی و امنیتی در انتظار جهان پساکرونا خواهد بود؟**

متأسفانه از لحاظ اقتصادی در چنین بحرانی در درجه اول کشورهای مستضعف جامعه صدمه می‌بینند. حتی در کشورهایی که سرمایه‌دار محسوب می‌شوند، تغییرات اقتصادی و در واقع [وضع] بحرانی فقر، به جنبش‌های اجتماعی مبارز نیرو می‌دهند. این دیالکتیک جامعه و دولت، ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی را بیشتر خواهد کرد. علوم‌سیاسی پیشنهاد می‌دهد که در چنین فضایی، تغییرات اساسی سیاسی هم امکان‌پذیر است و نظام کاپیتالیستی آنگلوآکسون در هر لحظه سعی خودش را می‌کند که سیستم بین‌المللی را رویه ایدئولوژی خودش بکشد. [البته شرایط] بحرانی کرونا بزرگ‌ترین صدمه را به این روش و به این نظام کاپیتالیستی غربی زد. من معتقدم که با تغییرات فعلی - که به آنها اشاره کردم- یک انقلاب معنوی و اخلاقی - که به عدالت اجتماعی و آزادی فردی در چارچوب یک جامعه مدنی توجه دارد- کاملاً امکان‌پذیر است. همکاری جهانی فقط می‌تواند در یک فضای علمی و فراهویی رشد کند، بعد از کرونا جنگ‌های صلیبی یا خشونت‌های هویتی یا تمدنی نه‌تنها جو امنیتی جهان را بلکه تمامی بشریت را در خطر می‌اندازند. بعد از کرونا اندیشه ما باید فرامرزی و جهانی باشد. این گفتمان برای ایران نوین نیست. ایران از طریق تاریخ فرخنده خودش این فلسفه جهان‌پذیری را به دنیا تقدیم کرده است. حیث که روشنفکران ما در مدرنیته یا پست‌مدرنیته، در باتلاق هویت‌نمایی گیر کرده‌اند.

**تحولات سیاست خارجی در عصر پساکرونا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

سیاست امور خارجه هر کشوری در درجه اول به منافع دولتش پیوسته است، البته سیاست خارجی مفید و راهبردی، هم عدالت و مشروعیت دولت را تعیین می‌کند هم مصلحت مردم را. اما اساسی‌ترین صدمه امنیتی به دولت همیشه از سوی جامعه خودش رخ می‌دهد. بعد از کرونا مدیریت این دیالکتیک مابین دولت‌ها و جوامع به‌شدت سخت و مشکل‌سازتر خواهد بود، به‌خاطر اینکه قدرت اقتصادی دولت‌ها به‌شدت محدودتر شده است و توقع جامعه ثابت مانده است، به‌خصوص در کشورهای کاپیتالیستی که مردم‌شان را با مصرف قانع کرده‌اند. کسر مصرف در این‌طور نظام‌های اجتماعی، بحران‌ساز خواهد بود و هر دولتی که منابع سیاسی و امنیتی‌اش در داخل کشور مصرف می‌شود، نمی‌تواند سیاست امور خارجه راهبردی داشته باشد.

**ایران در دنیای پساکرونا چه نقشی برعهده خواهد داشت؟**

برمی‌گردیم به پاسخ علمی قبلی، علوم سیاسی تمام جواب‌ها را برای موفقیت سیاسی و اجتماعی هر نظامی دارد، لذا بزرگ‌ترین محدودکننده قدرت‌نمایی ایران در فضای جهانی، نامنظمی جو داخلی است. فضای جهانی بعد از کرونا امکاناتی تاریخی برای ایران دارد. برای استفاده از این امکانات یک گفت‌وگوی ملی که

بتواند تمامی ایرانیان را هم داخل کشور هم خارج از آن جلب کند، لازم است. برمی‌گردیم به موضوع مشروعیت و عدالت. هر دولتی که نتواند این دو قطب قدرت را به وحدت برساند؛ هم در فضای داخلی و هم در نظام خارجی منفعت خودش و جامعه‌اش را تعیین خواهد کرد، البته [به‌لحاظ] تئوری این مساله آسان است و عملش سخت‌تر.

**علت اصلی تظاهرات مردم در اروپا و آمریکا چیست؟ آیا علت اصلی اقدام ضدنژادپرستی است یا نژادپرستی قرچه تظاهرات است؟ تظاهرات سال‌ها قبل در خیابان مشهور وال استریت و... نشان می‌دهد که گویا این علت فقط یک قرچه است.**

من معتقد هستم که جنبش‌های اجتماعی‌ای که فرافضی هستند - یعنی فشرهای مختلف جامعه در آنها [حاضرند و] قابل تشخیص هستند- نشان‌دهنده وجود یک مشکل اساسی در جامعه‌اند. جماعت غربی به‌خاطر تاریخ استبدادی و استعماری خودشان، در یک دوره‌ای فرهنگی قرار گرفته‌اند. مثل یک بحران روان‌گسیختگی.

یک راه که به تاریخ‌شان برمی‌گردد [با] یک علامت بن‌بست مشخص شده است، به‌خاطر اینکه خروجی [و نتیجه مطلوبی] در آن نیست و کشورها را از واقعیت‌های جهانی و اجتماعی فعلی خودشان دورتر می‌کند. راه جدید آینده نوین هم مشخص است، ولی آن قدر پیچیده به‌نظر می‌رسد که جی‌پی‌اس سیاستمداران می‌کند که در آن جو قبلی بزرگ شده‌اند، کاملاً از کار افتاده است. بنابراین تغییرات از جامعه مدنی و در واقع از مردم روی می‌دهد. در جامعه دموکراتیک این امکان هنوز وجود دارد و درحال حاضر نسل‌های جدید که هم فرامرزی‌گرمی‌کنند و هم خودشان را چندفرهنگی می‌دانند درحال عوض کردن خودبه‌خودی گفتمان [صرفاً] ملی کشورهایشان هستند. بدین‌صورت معنی اروپا یا آمریکا، با این جنبش نوین، تغییر خواهد کرد.

**دلیل این برخورد‌های شدید با مردم و سعی در سرکوب تظاهرات چیست؟ آیا راه مسالمت‌آمیزی پیش روی حکومت‌ها نیست؟**

خشونت دولتی نشانه ضعف مشروعیت و حاکمیت است. بشریت هنوز فرمول قدرتی که بتواند حکومت را از خشونت کاملاً جدا کند، پیدا نکرده است. چرا؟ به‌خاطر اینکه از زمان ویر (یا در ایران از زمان صفویه)، ما قدرت دولتی را هم «مرکزی» کردیم و هم «کلی». در این مورد - که مدرنیته به ما تحمیل کرده است- هیچ‌گونه تفاوتی مابین آلمان و ایران وجود ندارد. اگر حاکمیت دولتی در آلمان در خطر باشد، خشونت‌ها را به مردم نشان می‌دهد. شاید قوانین در آلمان قدرت‌نمایی [دولت] را محدودتر کرده باشد ولی همان قوانین به تمام امور شهروندان وصل شده است، مثل یک اتوبان که از برلین راهش را به اتانق نشیمن هر آلمانی پیدا می‌کند. آن همان قدرت مرکزی و کلی است. تا این قدرت کوچک‌تر نشود و در چارچوب هر بخش از جامعه قرار نگیرد، از منطقه به منطقه، خشونت‌آمیز خواهد بود. پس ترکیبی که برای جلوگیری از خشونت دولتی لازم است، یک نظام رادیکال فدرالی است. چرا؟ برای اینکه آن موقع، قدرت قطعه‌قطعه [و توزیع] شده است و آن خشونتی که درونش دارد مسلماً محدودتر می‌شود. در آن فضای پاک‌تر، انسان می‌تواند به اندیشه الهی خودش بپردازد.

تاملی پیرامون مبانی فقهی گزارشگری علیه فساد

## سوت‌زنی یا بینة الحسبة



حسین زمانیان  
دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

رهبر معظم انقلاب چندی پیش به مناسبت ایام شهادت شهید بهشتی و هفته فقه قضائیه در دیدار خود با مسئولان دستگاه قضا به‌صورت غیرمستقیم به پدیده «سوت‌زنی» اشاره کرده و فرمودند که باید از گزارشگران فساد به‌صورت قانونی حمایت شود. عین کلام ایشان به این شرح است: «باید همچنین برای این موضوع زیرساخت‌های حقوقی در قوه قضائیه فراهم شود تا امنیت مادی و معنوی گزارشگر حفظ شود و آمر به معروف و نهی از منکر دلگرم باشد که دستگاه قضایی پشتیبان اوست و در مقابل زمینه‌تهدمت‌زنی نیز فراهم نشود.»

باتوجه به اینکه گزارشگری تخلف، یکی از موفق‌ترین راهکارهای مبارزه با فساد در جهان است، بسیاری از مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه انتظار دارند که هرچه سریع‌تر برای تصویب و اجرای قانون حمایت از گزارشگران تخلف اقدام کنند؛ اما هر اقدامی باید متکی به بررسی و تحلیل فقهی و علمی این پدیده باشد.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید کلام رهبر انقلاب دلالت‌های فقهی و دینی نیز در این زمینه دارد. ایشان سوت‌زنی را مصداق امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده‌اند.

با نگاهی به آثار و سنت فقهی شیعه می‌توان علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر عناوین دیگری را یافت که بی‌شبهت با افشاگری علیه مفسدان نیستند. در این یادداشت سعی شده «بینة الحسبه» که عنوانی قریب‌المعنی به افشاگری است را مورد بررسی قرار دهیم.

شهید اول در کتاب الشهادت کتاب المصباح فی شرح الشهادت، ذکر در اقامه شهادت را به‌عنوان یکی از موانع قبول شهادت، ذکر می‌کنند و مراد از «تبرع در اقامه شهادت» این است که فرد بدون اینکه دادگاه او را بر ابرار یا شهادت‌خوانده باشد، خود بدو به دادگاه رفته و علیه شخصی شهادت دهد. شهید اول بیان می‌کند که چنین شهادتی در حقوق الناس مسموع نیست اما در حقوق الهی پذیرفتنی است. پس مراد ایشان از مانع بودن تبرع در اقامه شهادت، در شهادت علیه مردم در حقوق الناس مانند سرت، غبن و مانند آن است، وگرنه در حقوق الهی تبرع در اقامه شهادت مردود نیست. شهید ثانی در توضیح کلام شهید اول می‌فرماید به این نوع از اقامه شهادت، بینة الحسبه گفته می‌شود. (۱) در توجیه کلام شهید اول فقها دو استدلال ذکر کرده‌اند:

۱. یکی از شرایط قبول شهادت، متهم نبودن شاهد است و فردی که در حق الناس، تبرعی اقامه شهادت می‌کند، خود در مظان اتهام قرار می‌گیرد که لابد نفعی می‌برد و شهادت چنین فردی مسموع نیست. بین فقها در تفسیر عدم اتهام اختلاف شده است. برخی از فقها مانند شهید اول و شهید ثانی بیان کردند که مراد از متهم نبودن شاهد این است که در آن پرونده و دعوا، برای او نفعی متصور نباشد، مثلاً پدری بخواهد به نفع پسرش شهادت دهد یا شریکی علیه خصم شریکش شهادت بدهد. در این‌گونه موارد شهادت شاهد مقبول نیست. (۲) مراد از تهمت در «در معرض نفع بردن» معنا کرده‌اند. (۳) در مقابل عده‌ای مانند آیة‌الله خوئی فرموده‌اند که، طبق روایات، مراد از اتهام، «اتهام در دین مشهور باشد که مآلاً شاهد نباید به بی‌مبالاتی در دین مشهور باشد که مآلاً به همان شرط عدالت، که در شرایط شهود وجود دارد، برمی‌گردد. (۳)

حال با فرض پذیرش تفسیر اول، در موارد سوت‌زنی که عمدتاً در جایی است که حقوق عامه مردم در معرض تضییع است، چنین اتهاماتی مطرح نمی‌شود؛ چون شخص شاهد نمی‌خواهد با اقامه شهادت، خود نفعی برد پس دلیلی بر عدم پذیرش شهادت او نیست. طبق تفسیر دوم هم که اساساً عدم اتهام به‌معنای «در

مظان نفع بردن با اقامه شهادت» شرط نیست و همان عادل بودن شاهد - که معنای آن در کتب فقهی آمده است- کفایت می‌کند. در این صورت هم وجهی برای رد بینة الحسبه نیست.

۲. می‌توان برای عدم پذیرش بینة الحسبه به برخی از روایات مانند روایت نبوی «ثم یجیء قوم یعطون الشهادة قبل ان یسألوا» (۴) استدلال کرد. در تقریب استدلال گفته می‌شود لسان این روایت لسان توبیح است لذا بیانگر قبح این عمل و تبعاً عدم پذیرش آن است. (۵)

اما این استدلال هم تمام نیست چون در مقابل روایات دیگری وجود دارد که به شهادت حسبه ترغیب کرده‌اند؛ مانند روایت نبوی «ألا یخبرکم بخیر الشهود؟ قالوا: بلی یا رسول‌الله (ص)، قال: أن یشهد الرجل قبل أن یتشهده. (۶)

شهید اول وجه جمع بین این دو روایت را این‌گونه دانسته است که بینة الحسبه در حقوق الناس مسموع نیست و در حقوق الهی مقبول است؛ اما به‌نظر می‌رسد که این دو روایت چون از طریق عامه نقل شده‌اند قابل اتکا نیستند و به مرتبه حجیت نمی‌رسند تا بخواهیم به آنها استناد کنیم

و در فرض تعارض برای آنها وجه جمعی بیابیم. پس در جمع‌بندی باید گفت با توجه به آیه «واقیموا الشهادة لله» (۷) و اصل اولی عدم شرط زائد، بینة الحسبه هم در حقوق الهی و هم در حقوق الناس مسموع و مشروع است.

امام خمینی (ره) نیز در «تحریر الوسیله» بعد از بیان تردد در قول مشهور که بینة الحسبه را در حقوق الناس مسموع نمی‌داند، می‌فرماید که در حقوق الهی و مصالح عامه - که سوت‌زنی از این قبیل است- قول نزدیک‌تر به صواب مقبول بودن آن است. (۸)

همان‌گونه که واضح است ما تنها مشروعیت بینة الحسبه یا به‌عبارتی سوت‌زنی (۹) را اثبات کردیم. بعد از اثبات مشروعیت نوبت به مطالعه دقیق تر فقه می‌رسد تا برای تدوین قوانین اسلامی درباره سوت‌زنی شرایط و احکام آن استخراج شود.

در پایان متذکر می‌شود که محور این متن، تحقیق در ماهیت «سوت‌زنی»، شرایط تحقق و نظام اجتماعی متناسب با آن نیست - اگرچه بی‌ارتباط با آن هم نیست- و غرض اصلی نگارنده بازنگری سنت فقهی شیعه و بیان ظرفیت‌های آن، جهت ارائه ایده‌هایی در راستای حکمرانی اسلامی است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. الروضة البهیة فی شرح المصباح فی شرح المصباح (المحشی - کلاتر)، ج ۳، ص ۱۳۲. بینة الحسبه به معنای اقامه شهادت در مورد اموری است که شارع راضی به افعال و ترک آنها نیست و شخص برای خدا این کار را انجام می‌دهد.
۲. الروضة البهیة فی شرح المصباح فی شرح المصباح (المحشی - کلاتر)، ج ۳، ص ۱۳۳. البته برخی از این مثال‌ها با عناوین مستقلی در روایات ذکر شده است.
۳. مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۱، موسوعه، ص ۱۱.
۴. سپس گروهی خواهند آمد که قبل از آنکه از آنها خواسته شود، اقامه شهادت می‌کنند.
۵. الزبده الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۴، ص ۱۶۷.
۶. آیا به شما از بهترین شهودان خبر دهم؟ عرض شد بلی ای رسول خدا. پیامبر فرمود: فردی که قبل از آنکه از او بخواهند خود شهادت می‌دهد.
۷. آیه ۲، سوره طلاق. و برای خدا شهادت را اقامه کنید.
۸. تحریر الوسیله، کتاب الشهادت، ج ۲، ص ۳۹۹.
۹. whistle-blowing

اطلاق سوت‌زنی بر بینة الحسبه خالی از تضام نیست. فارغ از این نکته کلی که باید برای فهم یک مفهوم آن را در نظام معرفتی متناسب با آن دید، بینة الحسبه با سوت‌زنی تفاوت‌های دارد؛ مثلاً در پدیده سوت‌زنی ممکن است مخاطب شخص افشاگر افکار عمومی مردم باشند در حالی که بینة الحسبه تنها در صورت اقامه در دادگاه صالح مشروعیت دارد.

